

عنوان مقاله:

سبک روایی مجموعه داستان کوتاه یکی بود یکی نبود اثر محمدعلی جمالزاده (با تکیه بر نظریه ژپ لیت ولت)

محل انتشار:

پژوهشنامه ادبیات داستانی، دوره 2، شماره 3 (سال: 1392)

تعداد صفحات اصل مقاله: 18

نویسنده:

خلاصه مقاله:

چکیده: داستان کوتاه، روایت به نسبت کوتاه خلاقه‌ای است که نوعا سر و کارش با گروه محدودی از شخصیت‌هاست که غالبا در عمل منفردی شرکت دارند و از طریق وحدت تاثیر بر آفرینش حال و هوا تمرکز می‌کنند. یکی بود یکی نبود، اولین مجموعه داستان کوتاه در ایران است که به شیوه داستان‌نویسی نوین به رشته تحریر در آمده است. نگاهی به ساختار این اثر نشان می‌دهد که نویسنده با استفاده از شگردهای بسیار ابتدایی و ساده، این داستان‌ها را خلق کرده است؛ تا جایی‌که هیچ‌گونه ابداعی از حیث ساختار پنج داستان منتخب به چشم نمی‌خورد. برای تحلیل شیوه روایی مجموعه یکی بود یکی نبود از نظریه «ژپ لیت ولت»، منتقد فرانسوی بهره برده‌ایم. در شیوه مذکور با توجه به ناهمسانی عملی میان راوی و کنشگر، دو شکل اصلی روایتی تعریف می‌شود: روایت دنیای داستان ناهمسان و روایت دنیای داستان همسان. هر یک از این بخش‌ها، خود قابلیت تقسیم‌بندی به زیرمجموعه‌های کوچک‌تر را دارد؛ دنیای داستان ناهمسان، به سه گونه روایتی متن‌نگار، کنشگر و خنثی و دنیای داستان همسان، به دو گونه روایی متن‌نگار و کنشگر تقسیم می‌شود. از جهت گونه روایی، هر پنج داستان، همسان متن‌گرا هستند؛ یعنی نویسنده (من روایت‌کننده) با من روایت‌شده یکی است. راوی با نگاهی به گذشته به نقل داستان می‌پردازد و دوربین نگاه خود را همراه با دیگر کنشگران حرکت می‌دهد. زاویه دید داستان‌های مذکور درونی است و با گونه روایی آن همخوانی دارد. طرح داستان‌ها نسبتا محکم است و «درد و دل ملا قربان‌علی» کامل‌ترین روایت را دارد. در مجموع به نظر می‌رسد بخش مهمی از موفقیت یکی بود یکی نبود، مرهون زبان ساده و گنجینه فرهنگ عامه آن است و شگردهای داستانی و پیچش‌های خاص روایتی در این اثر چندان پر رنگ نیست.

کلمات کلیدی:

کلید واژه‌ها: مجموعه یکی بود یکی نبود، محمدعلی جمالزاده، ژپ لیت ولت، طرح داستان، زاویه دید

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1743901>

